

CrowdLaw; Development of Participation in Rule-Making

Hadi Tahan Nazif *

Received: 2021/05/20

Mohammad Amin Hakemi **

Accepted: 2021/06/31

Ali Rasti ***

Abstract

People's participation in government is changing and evolving with the progress of societies. It has different patterns. The one that is now very common is the representation model. This pattern has undergone extensive changes, with the emergence of a phenomenon called CrowdLaw. The pattern of CrowdLaw is based on the presence of people in consultation and decision-making process. CrowdLaw needs some infrastructures like "transparency" and its spreading owes to employing open innovation and crowdsourcing. CrowdLaw is taking shape on the Internet. It can be delegated to the people. Through CrowdLaw, one has to find the problems and draft a law and amend it. In other words, people have the authority to initiate the law. For estimating how the crowdlaw has created improvement in rulemaking, one should know the nature of representation and establish a comparison. Therefore, the purpose of this research is the comparison between representation and CrowdLaw to use its principles to design a native pattern of CrowdLaw in the future. To this end, this study, with a combination of "case study" and "interpretive" methods, seeks to clarify the horizon of CrowdLaw and how it is involved in the legislative process. Finally, through an understanding of the CrowdLaw it can be adjusted to local situations. To have such an understanding, one must benefit from Islamic teachings such as shura and social responsibility. Also, gaining the gameplay capabilities of these platforms is a great help in localizing the use of it in legislation.

Keywords: Representation, Crowdsourcing, CrowdLaw, Participation, Parliament

*Assistant Professor of General Law, Faculty of Islamic Studies and Law, ISU, Tehran, Iran
tahan@isu.ac.ir

** Ph.D. candidate of Political Science, General Policymaking, ISU, (corresponding author), Tehran Iran
m.a.hakemi@isu.ac.ir

***Ph.D. Candidate of Social Science, Cultural Policymaking, ISU, Tehran, Iran rastiali@ymail.com

قانون سپاری؛ توسعه مشارکت در قانون گذاری

هادی طحان نظیف *

محمد امین حاکمی **

علی راستی ***

چکیده

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۱۱

مشارکت مردم در حکومت در حال تغییر و تحول است و با پیشرفت جوامع، متکامل می‌گردد. مشارکت مردمی دارای الگوهای متفاوتی بوده است. الگویی که هم‌اکنون متداول است، الگوی نمایندگی است. بنابراین با بروز پدیده‌ای به نام قانون‌سپاری، این الگو در معرض تغییرات گسترده واقع شده است. الگوی قانون‌سپاری مبتنی بر حضور مردم در فرایندهای تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی است. قانون‌سپاری به زیرساخت‌هایی نظیر شفافیت نیازمند است و در رواج خود، مدیون استفاده از روش‌های نوآوری باز و جمع‌سپاری است. قانون‌سپاری در بستر اینترنت شکل می‌گیرد. در قانون‌سپاری می‌توان مسأله‌یابی و تدوین پیش‌نویس یک قانون و یا اصلاح آن را به مردم واگذار کرد. به عبارتی، مردم به نحوی دارای صلاحیت ابتکار قانون می‌شوند. به‌منظور این که بتوان میزان پیشرفت قانون‌سپاری در مراحل مختلف قانون‌گذاری را دانست، باید به ماهیت نمایندگی نظر افکنده، مقایسه‌ای را سامان داد. لذا مسأله این پژوهش، مقایسه میان نمایندگی و قانون‌سپاری است تا بتوان به کمک شناخت مبانی آن، در آینده الگوی بومی قانون‌سپاری را طراحی کرد. بدین منظور، این مطالعه با ترکیبی از روش‌های «موردکاوی» و «تفسیری» درصدد واضح ساختن افق پیش‌روی قانون‌سپاری و چگونگی حضور آن در فرایند قانون‌گذاری است. در نتیجه، با یافتن فهمی از قانون‌سپاری می‌توان آن را بومی‌سازی کرد. برای داشتن چنین دریافتی، باید از آموزه‌های اسلامی نظیر شورا و مسئولیت اجتماعی بهره برد. همچنین، بهره گرفتن از قابلیت‌های بازی‌وارسازی این پلت‌فرم‌ها، کمکی شایان به بومی‌سازی رویکرد جمع‌سپارانه در قانون‌گذاری است.

واژگان کلیدی: دین نمایندگی، جمع‌سپاری، قانون‌سپاری، مشارکت، پارلمان.

* استادیار گروه حقوق عمومی دانشکده معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، تهران، جمهوری اسلامی ایران.
tahan@isu.ac.ir

** دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گرایش سیاست‌گذاری عمومی دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، تهران، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).
mmghaem@social.ut.ac.ir

*** دانشجوی دکتری علوم اجتماعی، گرایش سیاست‌گذاری فرهنگی دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، تهران، جمهوری اسلامی ایران.
fahimifar@modares.ac.ir

مقدمه

امروزه استفاده از روش‌های جمع‌سپاری^۱ در سطح جوامع به امری معمول بدل شده است و رواجی چشمگیر یافته است. روش جمع‌سپاری به دلیل برخورداری از سهولت در استفاده و مشارکت بخشیدن به تمامی مشارکت‌جویان و نیز قرارگیری بر بستر فضای مجازی، در حال دربرگرفتن تمام عرصه‌های زندگی بشر است.

(Pfoser, Crooks, & Jenkins, 2015, p. 724).

از جمله عرصه‌های قابل توجه، قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری است. تصمیم‌گیری در سطح ملی و منطقه‌ای و حتی شهری، از جمله مواردی است که با استقبال گسترده‌ای از جانب ذی‌نفعان، مسئولان و سایر شهروندان جامعه مواجه شده است.

(Friess, 2015, pp. 1-2).

مضاف بر این در سیاست‌های کلی «نظام قانون‌گذاری» و در بند ۹ آن، اینچنین به جلب مشارکت حداکثری مردم اشاره شده است: «جلب مشارکت حداکثری مردم، ذی‌نفعان و نهادهای قانونی مردم‌نهاد تخصصی و صنفی در فرآیند قانون‌گذاری». آن چه در اینجا در اولویت قرار می‌گیرد، استفاده از روش‌های جلب حداکثری مردم در فرآیند قانون‌گذاری است. البته نباید از بند نخست این سیاست‌ها نیز غفلت کرد. بند نخست عبارت است از: «توجه به موازین شرع به عنوان اصلی‌ترین منشاء قانون‌گذاری در تنظیم و تصویب طرح‌ها و لوایح قانونی». لذا در جلب مشارکت مردم باید از طرقتی که منجر به تثبیت منشا اصلی قانون‌گذاری می‌شوند، بهره برد. استفاده از جمع‌سپاری در عرصه‌های قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری به *Crowd Law*^۲ شهرت یافته است که در زبان فارسی از واژه «قانون‌سپاری» به عنوان معادل استفاده خواهد شد. با ورود زیست مجازی به دنیای سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری، می‌توان پیش‌بینی کرد که تغییرات به-وجودآمده، تا چه اندازه می‌توانند گسترده باشند (Dimba, 2018).

1 - Crowdsourcing

۲ - Crowd Law خلاصه Crowd sourced Lawmaking است. در ادامه، توضیحات تکمیلی خواهد آمد.

از جمله این تغییرات، می‌توان به تغییر بافت کانون‌های قدرت، کاهش هزینه‌های تدوین متون سیاستی و قوانین و آیین‌نامه‌ها، افزایش آگاهی عمومی از اسناد مصوبه، همراهی و مشارکت هرچه بیشتر مردم و کاهش کارشکنی‌های ناشی از عدم آگاهی، افزایش کیفیت متون سیاستی و قوانین و آیین‌نامه‌ها و بسیاری از مزایا و محاسن دیگر اشاره کرد.

قانون‌سپاری نمودی از دموکراسی است که در قالب فضای مجازی رخ نموده است. دوران‌هایی که دموکراسی در آن رشد کرده است، بسیار طولانی و متفاوت است؛ آخرین مرحله‌ای که هم‌اکنون دموکراسی در حال طی کردن است، آن را بیش از پیش متأثر از جمعیت و انبوه خلق^۱ کرده است. البته می‌توان ردّ پایی از دموکراسی را در جوامع پیشامدرن و باستان یافت؛ با وجود این جان لاک^۲، روسو^۳ و حتی هابز^۴ را می‌توان نخستین اندیشمندانی دانست که با ارائی نظریه‌ی قرارداد اجتماعی، تلاش بسیاری برای دموکراسی کرده‌اند (نوری و توسلی رکن‌آبادی، ۱۳۹۵، صص. ۱۲۰-۱۳۵). یکی از تبلورهای اخیر دموکراسی، جمع‌سپاری^۵ و مضاف بر آن، قانون‌سپاری است (HanYou, KyuLee, Kang, & Go, 2015, pp. 8-10).

اما آن چه در نظر اندیشمندان حقوق مهم به نظر می‌رسد، تأثیر این پدیده‌ی نو بر ساختارهای منبعث از دموکراسی است؛ ساختارهایی که با تفاسیر و برداشت‌هایی خاص از دموکراسی ایجاد شده‌اند و توان تحمل برداشت‌های جدید را ندارند. در این میان، نظریه نمایندگی است که برداشتی ابتدایی از دموکراسی است و در برابر، دموکراسی موافق با قانون‌سپاری قرار می‌گیرد.

اگر چنین پنداشته شود که «نمایندگی» به‌دنبال عدم امکان حضور متفق و توأمان شهروندان ایجاد شده است (حافظ‌نیا، قالیباف و ملاحسینی اردکانی، ۱۳۹۱، ص. ۱۲۵)،

1 - Crowd

2- John Locke

3- Jean-Jacques Rousseau

4 - Thomas Hobbes

5 - Crowdsourcing

در این صورت باید گفت، امروزه که مردم می‌توانند در فضای مجازی چنین اتفاق و حضوری را تجربه کنند، دیگر نیازی به استفاده از واسطه‌ها و نمایندگان نیست. اما اگر پیروزی با تفسیری باشد که نماینده را دارای شأن تخصصی می‌داند، در این صورت، نمی‌توان پارلمان و سایر ساختارهای کلان نمایندگی را محکوم به حذف از صحنه اجتماع دانست.

در هر صورت، آن چه ضرورت این مسأله را دو چندان کرده است، مشارکت محدود شهروندان ایرانی در تهیه و تدوین قوانین و سیاست‌ها است که نتیجتاً باعث می‌شود، آگاهی از مفاد قوانین و سیاست‌ها کاهش یافته و منجر به بی‌تفاوتی شهروندان نسبت به این قوانین و اسناد بالادستی شود. این تنها آگاهی و مشارکت فعالانه در طرح و تدوین قوانین و سیاست‌ها است که به اجرای بهتر آن‌ها توسط شهروندان منجر خواهد شد. در غیر این صورت، متون قانونی و سیاستی، با حداقل استقبال روبه‌رو شده و به طور کامل اجرایی نخواهد شد. عدم طراحی و پیش‌بینی سازوکارهای مشارکت مردمی باعث فرسودگی ساختارهای موجود خواهد شد. به عبارتی، اگر ساختارهای موجود به‌روزآوری نشوند، با اشکالاتی عدیده در کارآمدی مواجه می‌شوند. خصوصاً آن که جمهوری اسلامی، به عنوان نظامی مردم‌سالاری، داعیه به کارگیری توان و استعداد تمام مردم را دارد؛ چنین امری موجب اهمیت مضاعف مشارکت مردمی می‌شود. همچنین، در عمل نیز مشارکت مردم به پیشرفت‌های خیره‌کننده و چشمگیر منتهی می‌شود. با نگاهی به نظام حقوقی مشارکت مردمی، رسالت این مقاله بر آن است تا ظرفیت کنونی و آینده مشارکت را بسنجد. به همین دلیل، سؤال این مقاله این است که آیا قانون‌سپاری می‌تواند منجر به افزایش مشارکت در قانون‌گذاری شود؟ این پژوهش با به کار بستن روش مطالعه موردی، پدیده‌ای به نام «قانون‌سپاری» را مورد بررسی قرار داده است. همچنین با بهره‌گیری از روش تفسیری، نقش قانون‌سپاری در افزایش و توسعه مشارکت مردم در فرایند قانون‌گذاری را تشریح کرده است.

پیشینه پژوهش

باتوجه به نوظهور بودن این موضوع، مقالات و آثار پژوهشی کمتری در این زمینه وجود دارد. با این حال، می‌توان ردی از این مسائل را در آثار پیش‌رو یافت: کتاب «دولت و دموکراسی در عصر جهانی‌شدن» توسط محمد توحیدفام، کتاب «روزنامه-نگاری سایبر»، توسط یونس شکرخواه، ترجمه کتاب «امپریالیسم سایبر» توسط بوسا ابو، مقاله‌ی «دموکراسی دیجیتال» توسط هادی خانیکی، «قابلیت‌های فناوری اطلاعات در اجرای دموکراسی مستقیم» اثر محمدرضا حافظ‌نیا، محمداقرا قالیباف و رضا ملاحسینی اردکانی، مقاله «شناسایی و اولویت‌بندی ارزش‌های حکمرانی الکترونیکی در شهرداری‌ها» اثر سیدمحمدباقر جعفری، حسن زارعی متین و شهناز جوکار، مقاله «ارتقای اعتماد عمومی و دموکراسی الکترونیکی؛ تبیین نقش دولت الکترونیک» اثر آرین قلی‌پور و علی پیران‌نژاد. در ادامه، تعدادی از مقالات انگلیسی‌زبان نیز مورد اشاره واقع شده است:

جدول ۱- آثار نویسندگان انگلیسی‌زبان در زمینه قانون‌سپاری

نام اثر	تاریخ	نویسنده	مطالب و نحوه نگاه به قانون‌سپاری
The Birth of the CrowdLaw Movement: Tech-Based Citizen Participation, Legitimacy and the Quality of Lawmaking	۲۰۱۸	Victòria Alsina and José Luis Martí	این مقاله بیشتر در پی احصاء جنبش‌های مربوط به قانون‌سپاری بوده است. همچنین، زیرساخت‌های فناورانه و اجرایی آن را محل بحث قرار نداده است.
Forging Smarter Cities through CrowdLaw	۲۰۱۸	Beth Simone Noveck	این مقاله ارتباط قانون‌سپاری و پیشرفت‌های مختلف جامعه را بررسی کرده است. به نحوی که قانون‌سپاری می‌تواند به کیفیت قانون‌گذاری در این زمینه‌ها کمک کند. همچنین، قانون‌سپاری امکان مشارکت همگان را در قانون‌گذاری فراهم می‌آورد.

این اثر به دنبال تشریح تکامل مرحله به مرحله قانون‌سپاری ناظر به تجربیات جنبش‌های اجتماعی مختلف در اقصی نقاط جهان بوده است.

Beth Simone Noveck ۲۰۱۸ Crowdlaw: Collective Intelligence and Lawmaking

در این اثر، ظرفیت‌های دموکراتیک قانون‌سپاری از منظر یک آمیختگی بررسی شده است:

نخست، نگاه فعالان این عرصه که به دنبال ایجاد مشارکت گسترده و تشویق انجمن‌ها به مشارکت هستند.

Helene Langlamet ۲۰۱۸ Can Digital Technologies Create a Stronger Model for Democratic Participation? The Case of CrowdLaw

دوم، طراحی پلتفرم‌هایی که نتوانسته مشارکت حداکثری را تأمین کند.

سؤال پژوهش فوق این است که آیا قانون‌سپاری می‌تواند در روند تحقق دموکراسی نقش‌آفرینی کند و دموکراتیزه شود؟

در مقالات و کتب پیش‌گفته، تعیین نقش و قابلیت‌های محصولات الکترونیک در اداره و حکمرانی دولت و همچنین، مزایا و معایب و فرصت‌ها و تهدیدهای دموکراسی الکترونیک ذکر شده است. نویسندگان در این نوشتار بر آن است تا جایگاه محصولات الکترونیکی خاصی (قانون‌سپاری) را در مفاهیم و نظریات دموکراسی و نیز الگوهای اجرایی آن تبیین و تعیین نماید. تلاقی جمع‌سپاری و قانون‌سپاری با دموکراسی و چگونگی اجرای آن دستاورد این پژوهش است. گرچه پژوهشگران متعددی، آثاری در زمینه محصولات الکترونیک یا اندیشه‌ی سیاسی و رهیافت‌های اجتماعی آن به رشته‌ی تحریر درآورده‌اند، لکن یافتن پژوهشی که تأثیر قانون‌سپاری بر روند حرکت دموکراسی و جلب مشارکت مردم را بررسی کرده باشد، دشوار است. به عبارتی، آن چه

ماحصل این پژوهش را منحصر به فرد می‌سازد، ارائه تصویری از قانون‌سپاری است و تأثیر آن در جلب مشارکت مردمی بررسی شده است.

۱- مبانی نظری قانون‌سپاری

پدیده‌ها ریشه در تفکرات دارند. قانون‌سپاری نیز محصول اندیشه‌هایی است که حاکمیت و حکومت مدرن را در انداخته‌اند. برای دستیابی به ادراک جامع‌تر و دقیق‌تر از محصول نهایی، یعنی قانون‌سپاری، باید با دموکراسی و نمایندگی آشنا شد. دموکراسی ارزشی تخطی‌ناپذیر است، در نتیجه نمایندگی با وارد کردن استثنائاتی، شیوه‌ی اجرایی شدن آن را نشان داده است. در ادامه توضیحاتی در باب دموکراسی، نمایندگی و نهایتاً قانون‌سپاری بیان شده است.

۱-۱- دموکراسی

دموکراسی^۱ شیوه‌ای از حکمرانی است که به دنبال رواج آرمانی خاص است. دموکراسی، به دنبال حکومتی است که در آن به جای زمام‌داری یک یا چند نفر خاصی، مردم بر مردم حکمرانی کنند. بسیاری از کشورها الگوی دموکراسی را در نظام حقوق سیاسی خود اعمال کرده‌اند و بسیاری دیگر در صف اجرایی‌ساختن آن هستند. از جمله مقومات دموکراسی، تحمل در برابر آراء متضاد است؛ آرائی که میان دو انسان یا دو گروه از انسان‌ها مورد توافق نیست. بدین ترتیب، دموکراسی تنها با کمک سوق دادن به مسامحه‌گرایی است که می‌تواند در جامعه محقق شود (جلایی م.، ۱۳۸۰، صص. ۴۹-۵۰) (هوئرتا، ۱۳۹۵، صص. ۳۲-۳۵).

به اعتقاد برخی نویسندگان، نمی‌توان زمان خاصی را برای شروع دموکراسی در نظر گرفت؛ بلکه این فرهنگ مردم است که آنان را به حضور در تصمیم‌گیری‌های جمعی دعوت می‌کند. این دسته، قدمت دموکراسی را تا تاریخ باستان پی می‌گیرند. البته مشخص است که شکل امروزی دموکراسی مدنظر نیست و همچنین می‌توان آثار دموکراسی را از شهرهای بزرگ تا روستاهای کم‌جمعیت پیگیری کرد. با تمام این‌ها،

دیرپای‌ترین مدلی که برای دموکراسی پیشنهاد شده است، مدل آتنی یا یونانی است. در یونان، تاریخ همچون رم نبود؛ در رم، اختلاف میان طبقات به جنگ انجامید، اما در یونان، این اختلاف به واسطه دموکراسی از جنگ دور شد. و البته این الگوی دموکراسی، با استیلای اسکندر بر یونان، پایان یافت و هیچ‌گاه تکرار نشد. ارسطو با ارائه دیدگاه خود در زمینه‌ی انواع حکومت، به دموکراسی پرداخته است. وی حکومت را براساس «تعداد حاکمان» به سه دسته تقسیم می‌کند؛ این حکومت‌ها توسط یک نفر، یک گروه و یا مردم اداره می‌شوند و در حالتی که مردم حاکم‌اند، دموکراسی ظاهر می‌شود (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۹۲، صص. ۱۰۳-۱۲۴) (کیا و عبدالله، ۱۳۸۸، ص. ۱۴۷).

منبع مشروعیت‌بخشی دموکراسی، مردم هستند. در دموکراسی این مردم‌اند که تشخیص می‌دهند خوب چیست و چه چیزی خوب نیست. خود دموکراسی نیز مشروعیتش را از مردم می‌گیرد. به‌همین دلیل می‌توان مشروعیت مردمی را یکی از ارکان دموکراسی دانست. رکن دیگر را نیز بر اساس این، باید نسبی‌گرایی دانست؛ چرا که دموکراسی، خود را والاترین ارزش می‌داند و نمی‌توان پیش از ورود دموکراسی به جز مردم ارزشی تعریف کرد؛ ارزشی که قابلیت انتخاب شدن از سوی مردم را داشته باشد. به همین دلیل، باید بدون هیچ زمینه خاصی، مردم، نظر و رأی ایشان را مبنا قرار داد. از آنجا که این مبنا، به شدت تغییرپذیر است، باید نسبی‌گرایی را پذیرفت (جلایی م.، ۱۳۸۰، ص. ۵۳) (وحیدی منش، ۱۳۹۳، ص. ۸۲).

آن چه که صاحب‌نظران اصلی دموکراسی مانند ارسطو^۱، روسو و مونتسکیو^۲ و غیره بیان آن را مدنظر داشته‌اند، دموکراسی مستقیم است. در واقع دموکراسی مستقیم، حالتی آرمانی است که علاوه بر نبود تفاسیر اجرایی مناسب از این نظریه، به دلیل کمبود امکانات و زیرساخت‌ها، فرصت اجرایی و عملیاتی شدن نیافت. به اعتقاد صاحب‌نظران

1 - Aristotle

2 - Baron de Montesquieu

دموکراسی، ارزش و اعتبار و مشروعیت یک حکومت از مردم و همراهی مردم است. در واقع این نظر و رأی عموم مردم است که سرمنشأ مشروعیت است و حکومت باید همان را سرلوحه قرار دهد؛ در این صورت، از سوی دیگر، مردم نیز مشروعیت این حکومت را می‌پذیرند (دانلی، ۱۳۸۱، صص. ۵۲-۵۴). این که دموکراسی، تبلور اراده‌ی عموم مردم است، در بدو صدور، حالتی شعارگونه را همراه داشته است، اما همان «دموکراسی مستقیم» را افاده می‌کند. دموکراسی، در ابتدای پیدایش و حتی امروزه، در برابر استبداد حکمرانان به کار گرفته می‌شود. در برابر این استبداد، مردم قرار دارند (Miller, 2003, pp. 37-53).

۱-۲- نمایندگی^۱

به صورت کلی، حقوق به عنوان لگامی برای قدرت سرکش شناخته می‌شود. سازوکار این لگام زدن، ایجاد نهادهایی است که قواعدی خاص بر آن‌ها حاکم است. البته حقوق در برابر این محدودیتی که به قدرت وارد می‌کند، به آن مشروعیت می‌بخشد؛ به طوری که می‌توان از قدرت حاکم تبعیت کرد. قسمت عظیمی از این مشروعیت‌بخشی در حقوق، توسط نهاد نمایندگی تأمین می‌گردد. در واقع، در پارادایم مدرن حقوقی، اگر قدرتی با نهاد نمایندگی همراه و موافق باشد، مشروع است و در غیر این صورت، نامشروع شناخته می‌شود. در فرض عدم وجود نمایندگی، هیچ یک از انواع دموکراسی نیز قابل تصور نیست. حکومت با به دست گرفتن اقتداری که مردم بدان واگذار کرده‌اند، نوعی از قدرت تأسیس شده است. حاکمیت امری ربطی است و حاصل رابطه سیاسی مردم و دولت است. پایه و اساس قدرت عمومی بر نمایندگی استوار است؛ چرا که تنها در نمایندگی است که می‌توان حکمرانان را دارای مسئولیت برشمرد. (لاگلین، ۱۳۹۳، صص. ۱۵۳-۱۵۹) (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۹۲، صص. ۲۳-۲۶).

بدون وجود مفهوم و نهاد نمایندگی، نمی‌توان ساختار دولت‌های چند سده اخیر غرب و مخصوصاً دولت‌ها و قدرت‌های مدرن را درک و تحلیل کرد. تمامی قوانین

اساسی مدرن نیز این مفهوم را مبنا قرار داده‌اند (استوارت میل، ۱۳۸۹، صص. ۳۹-۴۰) (ویژه، ۱۳۸۷، ص. ۷۸). اهمیت نمایندگی در تشکیل دولت‌های مدرن به حدی است که نمی‌توان دموکراسی را بدون آن درک کرد. دموکراسی بدون وجود نمایندگی، قابلیت ادامه حیات خود را از دست می‌دهد.

نمایندگی در حقوق غرب، نهادی بسیار نزدیک با وکالت در حقوق ایران است.^۱ ساخت قدرت و حکومت در غرب، منطبق بر آموزه‌های نهاد نمایندگی است. تمام مجموعه‌ی سیاسی-حقوقی حاکمیت، به عنوان نماینده تمام ملت شناخته می‌شوند (آهنگران و صادق پور، ۱۳۹۳، صص. ۷۱۱-۷۱۴). از جمله ساختارهای جزئی‌تری که به تثبیت این نهاد، یعنی نمایندگی، منجر می‌شود، «رای‌گیری» و «انتخابات» است. البته می‌توان تجلی نمایندگی را در ساختارهای دیگری نیز جستجو کرد؛ انواع همه‌پرسی نظیر تله‌بیسیت^۲ و غیره. اما این انتخابات است که بیشترین رواج را داراست

(Gerber & Morton, 1998, pp. 304-307).

در تفسیر مفهوم نمایندگی و نهادها و ساختارهای منبعث از آن، نظرات به دو دسته-ی اصلی تقسیم می‌شوند؛ دسته نخست، نمایندگی را دارای شأن تخصص می‌دانند. بدین معنا که نمایندگان (علی‌الخصوص نمایندگان مجلس)، به‌خاطر تخصص‌شان در پارلمان یا قدرت، نماینده مردم شده‌اند؛ لذا موظف‌اند که از این تخصص خود به تمام وجه استفاده نمایند. اما عده‌ای دیگر نظری متفاوت دارند و نماینده را تنها نماینده‌ی مردم می‌دانند که باید انعکاس نظرات آن‌ها را ارائه دهند و پیگیر مطالبات و اراده ایشان باشند. علی‌الاصول، نگاه دوم همخوانی بیشتری با دموکراسی دارد؛ چرا که در نگاه دوم، اصالت اراده‌ی مردم تجلی فراوانی می‌یابد. این درحالی است که در نگاه نخست، مردم تخصص و اراده‌ی فردی دیگر را برمی‌گزینند (جواهری طهرانی، ۱۳۹۴، صص. ۷-۱۵).

۱ - منظور، فقه و حقوق ایران، تا پیش از ورود حقوق مدرن به کشور و تأثیرات گسترده آن است.

۲ - به آن نوعی از همه‌پرسی گفته می‌شود که طی آن مقامات و زمامداران در موارد تردید، برنامه‌ها و ایده‌های خود را به نظرسنجی عمومی مردم می‌سپارند و از این طریق به دنبال کسب مسئولیت یا نوکردن مسئولیت دولت و نظام سیاسی می‌گردند.

دموکراسی نمایندگی، از مهم‌ترین این دسته نظریات است و نمایندگی را می‌توان مفهومی برگرفته از این نظریات و پدیده‌ای منبعث از این دیدگاه دانست. بدون در نظر گرفتن دموکراسی نمایندگی، نمی‌توان درک صحیحی از نمایندگی داشت؛ به عبارتی، این نظریه، پشتوانه مفهوم و پدیده نمایندگی بوده است. دموکراسی نمایندگی، برهه‌ای طولانی را در عمر دموکراسی، از آن خود کرده است.

دموکراسی شورایی را می‌توان به‌نوعی نمایندگی نسبت داد. دموکراسی شورایی، متکی بر نمایندگانی است که اگر آنان تصور نشوند، استبداد شروع خواهد شد. بسیاری اوقات، حکومتی که از سوی مردم و برای مردم است، تنها در دست یک نفر قرار می‌گیرد و استبداد به وجود می‌آید. اما با وجود دموکراسی شورایی، از احتمال استبداد می‌توان چشم‌پوشی کرد. جمهوری‌خواهی را می‌توان در اندیشه‌های مخالف توتالیتریزم و تمامیت‌خواهی یافت (شیرازی، ۱۳۹۸، صص. ۹۳-۹۴).

در مورد نمایندگانی که در سیاست برگزیده می‌شوند، چنین تصور می‌شود که نمونه‌هایی از گروه‌هایی خاص هستند و در عمل، نمایندگی از آنان را یدک می‌کشند. برای مثال، وقتی در مجامع نمایندگی وجود کارگران احساس می‌شود، نماینده‌ای از کارگران انتخاب می‌شود تا مقاصد آنان را اعمال کند. در این برداشت، نماینده کسی است که بهترین فرد اعضای یک گروه باشد و بارزترین ویژگی‌های اساسی آنان را در خود داشته باشد. بدین معنا، می‌توان این برتری را به عنوان «خاص» بودن نیز تعبیر کرد؛ در این صورت، می‌توان نماینده را به عنوان «نمونه‌ی خاص» تلقی کرد. برداشت دیگر این است که نماینده، حتماً نباید خودش عضوی از گروهی باشد که نمایندگی آنان را پذیرفته است؛ بلکه همین که نسبت به منافع آن گروه اطلاع داشته باشد و بتواند آن منافع را تأمین کند، می‌تواند نماینده آنان باشد. این تلقی از نمایندگی، «نمایندگی منافع» برشمرده شده است.

۳-۱- قانون‌سپاری

برخی با پیش‌فرض گرفتن پارادایم حقوقی غربی، چنین عنوان داشته‌اند که نهادهایی برای مشارکت مردمی و دموکراسی در نظام‌های حقوقی غربی وجود داشته است؛ اما تمام مردم توان حضور در آن را نداشته‌اند و انبوه خلق و جمعیت از این توفیق، بی‌بهره بوده‌اند. با ایجاد سامانه‌های الکترونیکی از جمله اینترنت، چنین قابلیتی ایجاد شد که از سویی مردم در امور جاری حاکمیت مشارکت کنند و از سوی دیگر، دولت این مشارکت مردمی را رسمیت ببخشد تا این که نهایتاً منجر به افزایش اعتماد عمومی گردد. در این میان ابزار کار، دموکراسی الکترونیکی است که در بستر اینترنت و فضای مجازی محقق می‌گردد (قلی‌پور و پیران‌نژاد، ۱۳۸۷، صص. ۲۲۴-۲۲۸).

تنوع شناخت و انبوه خلق دو فضیلت موجود در سیاست‌گذاری^۱ تلقی می‌شود که بعضاً دارای تضاد منطقی هستند. منطق انبوه توده‌ها در سیاست‌گذاری، متفاوت با روش‌های مرسوم سیاست‌گذاری است. به‌صورتی که در قانون‌سپاری، انبوه توده‌ها دارای اعضای نامشخص، غیرمتخصص و پراکنده‌اند. حال آن که در روش‌های مرسوم، عده‌ای متخصص به صورت منسجم اقدام به تدوین سیاست‌ها (و قوانین) می‌کنند

(Aitamurto، 'Collective Intelligence in Law Reforms: When the Logic of the Crowds and the Logic of Policymaking Collide'، 2016، pp. 2780-2781).

در تنقیح تجربه فنلاند در اصلاح قوانین ترافیکی، می‌توان اصول پنجگانه قانون‌سپاری را برشمرد که عبارتند از: مشارکت، پاسخگویی، شفافیت، هم‌پیمانه‌سازی، ترکیب. در این میان، سه اصل نخست یعنی، مشارکت، پاسخگویی و شفافیت، بنیادین محسوب می‌گردند

(Aitamurto & Landemore، 'Five design principles for crowdsourced policymaking: Assessing the case of crowdsourced off-road traffic law in Finland'، 2015، pp. 8-11).

1 - Policymaking

قانون‌سپاری به عنوان یکی از شاخه‌های اصلی جمع‌سپاری شناخته می‌شود که در حوزه‌های حقوقی و مدیریت (از جمله سیاست‌گذاری) پرکاربرد جلوه کرده است. جمع‌سپاری که در حوزه‌های گوناگونی از نظارت عمومی تا تأمین مالی وسعت یافته است، یک ابزار یا وسیله نیست. نباید جمع‌سپاری را یک ابزار دانست، بلکه جمع-سپاری روش و فرایندی نوظهور است. لذا قانون‌سپاری نیز از این قاعده مستثنی نیست؛ یعنی قانون‌سپاری را نیز می‌توان یک روش و فرایند دانست. ویژگی منحصر به فرد این روش، استفاده از ظرفیت عامه‌ی مشارکت‌جویان است. مشارکت‌جویان می‌توانند افراد صاحب‌نظر، متخصص، مجرب، مداخله‌کننده و ذی‌نفع و غیره باشند (Aitamurto, 2012, pp. 18-29).

برای مثال، مشارکت‌جویان حوزه محیط زیست عبارتند از: ساکنان زیست‌بومی خاص، شکارچیان، جنگل‌بانان، مسئولان محلی و ملی مرتبط، پژوهشگران و استادان، بازرگانان وابسته به زیست‌بوم، متصدیان حمل و نقل و غیره. روشی که بتوان این طیف‌های متنوع را یکجا جمع کرد، جمع‌سپاری است.

قانون‌سپاری ترجمه‌ای از اصطلاح ¹Crowd-Law است. این اصطلاح، قرین اصطلاح Policymaking قرار می‌گیرد. لذا باید دانست که قانون‌سپاری علاوه بر حوزه‌ی قانون‌گذاری، شامل حوزه‌ی سیاست‌گذاری نیز می‌گردد و نمی‌توان مرزی میان این دو کشید. استفاده از این روش، به قدری شایع و پر دامنه است که حتی با پلت‌فرم‌های مشابه این، می‌توان کاربردهای متفاوتی در حوزه‌هایی دورتر، نظیر دایره‌المعارف‌های همگانی و بانک‌های داده‌باز راه‌اندازی کرد. گرچه ساحت سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری هم‌اکنون فرایندهای متفاوتی را تجربه می‌کنند، اما با نگاه جمع‌سپارانه، این دو، شباهتی عظیم دارند. چرا که باید در هر دو ساحت مذکور، در مرحله‌ی نخست، یک متن ایجاد شود و مرحله‌ی دوم، اعتباربخشی و مشروعیت‌بخشی به آن است.

1 - Crowdsourced Lawmaking

قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری در این دو کاملاً مشترک هستند؛ تنها تفاوت مربوط به نهادهای متولی این ساحت برمی‌گردد که از کشوری تا کشور دیگر متفاوت است. هم-اکنون کارکرد اصلی قانون‌سپاری در ایجاد متن پیش‌نویس خلاصه می‌شود، نه متن نهایی که در آستانه‌ی تصویب قرار دارد.

یکی از ارکان اساسی قانون‌سپاری، «انبوه خلق و جمعیت^۱» است. در صورتی که مشارکت پایینی در قانون‌سپاری انجام پذیرد، در واقع فرایند قانون‌سپاری شروع نشده است. این تنها انبوه خلق و جمعیت است که می‌تواند برآیند قابل‌قبولی از آنچه را که مدنظر تمام ذی‌نفعان است، به دست دهد؛ در صورتی که نتوان مشارکت‌جویان را «انبوه» دانست، نمی‌توان حاصل را منتج از فرایند قانون‌سپاری - در یک زمان منقطع و محدود- دانست (Noveck, 2018, pp. 361-364).

گرچه هم‌اکنون در جهان از پلت‌فرم‌هایی استفاده می‌شود که از یک نوع هستند، اما به نظر می‌رسد که پلت‌فرم‌های کنونی، دارای دو تاریخچه و پیشینه جداگانه‌اند. تاریخ نخست، مربوط به انگلستان است و دیگری مربوط به آمریکا. اجرای طرح Red Tape در دولت کامرون و نیز وجود نهادهایی شبیه به E-Petition نوید تفاوت قانون‌سپاری انگلیسی از همانند آمریکایی‌اش را می‌دهد؛ همانندی که نخست از دفاتر دولت فدرال نشأت گرفته است (Clark, Morris & Lomax, 2018, pp. 1-3).

دولت الکترونیک در ایالات متحده آمریکا، حداقل بیش از سه دهه قدمت دارد. یکی از نخستین اهداف دولت الکترونیک در ایالات متحده، قانون‌گذاری است. این قانون‌گذاری که به واسطه دفاتر دولت فدرال صورت می‌پذیرفت، در حوزه‌های سلامت عمومی و نیز مقررات امنیت و اقتصاد و حوزه‌های مشابه بود. بدین دلیل که قانون‌گذاری نوعی فرایند تصمیم‌گیری مستقیم بود (که به شفافیت، مشارکت عمومی و پاسخگویی نیازی رسمی و عمده داشت) به نظر می‌رسید که هدف بسیار مناسبی برای سیاست‌گذاری متکی به فناوری است. این گونه برداشت می‌شد که فناوری‌های نوین با

اتکا به گسترش مشارکت افراد و گروه‌ها، می‌توان قانون‌گذاری را دگرگون کرد، دموکراسی در قانون‌گذاری را بالا برد و خروجی سیاست‌ها و سیاست‌گذاری‌ها را بهبود بخشید. در فرایند قانون‌گذاری الکترونیک، نقش دفاتر قانون‌گذاری بیش از پیش کاهش می‌یافت. برای چندین دهه، قانون‌گذاری به عنوان تنها حقوق مشارکت عمده‌ی ذی‌نفعان و شهروندان تلقی می‌شد. پس از دهه نود میلادی، ظهور فناوری‌های دیجیتال، نوید تغییرات گسترده در طریقه پیشین را سر داد. این به معنای حرکت به سمت آینده-ای متکی بر فناوری‌های دیجیتالی و الکترونیک بود. اجرایی شدن افق دولت باز، که سراسر آن همکاری و گفتگو میان حاکمیت و شهروندان بود به تغییرات ریشه‌ای در ساختار نیاز داشت

(Newhart & Brooks, 2017, p. 1). (Farina, Epstein, Heidt & Newhart, 2012, pp. 104-111).

در انگلیس، پلت‌فرم عریضه‌نویسی پارلمان انگلیس^۱ در نوامبر ۲۰۰۶ ایجاد و در ژوئیه ۲۰۱۵ بازراه‌اندازی شد تا اعضای جامعه بتوانند عریضه‌ها و خواسته‌های خود را در پارلمان مطرح کنند (Find out more about e-petitions.n.d) در این پلت‌فرم این اجازه داده شد تا شهروندان و ساکنان بریتانیا، آن چه را که می‌خواهند به مسئولان گوشزد نمایند، مطرح کنند. سپس اگر این عریضه‌ها و خواسته‌ها، امضا و موافقت بیش از ده هزار نفر دیگر را به‌دست آورد، دولت بریتانیا مسئول رسیدگی و پاسخگویی می‌شود. اگر امضاها به بیش از صد هزار رسید، در این صورت، این پارلمان بریتانیاست که به این عریضه و خواسته رسیدگی می‌کند.

۲- روش پژوهش

روش این پژوهش ترکیبی از دو روش مختلف است، به‌گونه‌ای که در هر مرحله، مشخصاً از روشی خاص بهره برده است. در مواجهه با پدیده قانون‌سپاری باید از روش «مورد کاوی» استفاده می‌شد. چرا که براساس گفته‌های پیشین، پدیده‌ی قانون‌سپاری

1 - E-petitions

یک پدیده‌ی نوآورانه است که پیش از آن که در کتاب‌ها به آن پرداخته شود، در فضای جامعه مورد آزمون و خطا واقع شده است. به همین دلیل، نمی‌توان ردی از آن را در نظر اندیشمندان صاحب‌نام یافت؛ همچنین اکثر آثاری که در خصوص قانون‌سپاری وجود دارد، گزارشی از فعالیت‌های انجام شده است، نه نظریه‌پردازی واقعی و البته، بیشتر این آثار، نه به شکل مقاله و کتاب، بلکه در صفحات فضای مجازی جای گرفته‌اند. بدین خاطر، استفاده از منابعی که حاوی گزارشی از نحوه ایجاد یا توسعه‌ی پلت‌فرم‌های قانون‌سپاری بودند نیز نتوانست روش مقاله را در این مرحله تغییر دهد، و روش مقاله در این مرحله، «مورد کاوی» است که در تقسیم‌بندی‌ها، ذیل روش‌های کیفی قرار می‌گیرد. باید سعی کرد، تا از پدیده به مفهوم رسید، و از نتیجه آن در مرحله‌ی پایانی پژوهش بهره برد.

مرحله دوم، مرور ادبیات مفهوم نمایندگی است. مطالعه آثار اندیشمندان که در این زمینه قلم فرسوده‌اند، روش حاکم بر این مرحله را «تفسیری» می‌کند. با این حال در این مرحله، بستری برای مقایسه میان نمایندگی و قانون‌سپاری نیز فراهم می‌آید. بدین ترتیب، می‌توان جایگاه نمایندگی و قانون‌سپاری را در کنار دموکراسی فهم کرد؛ دو مفهومی که ریشه در جایی به نام دموکراسی دارند. در این مرحله، می‌توان به‌شناختی از قانون‌سپاری رسید که آن را برای انجام تغییراتی جهت بومی‌سازی این محصول، آماده خواهد کرد.

۲-۱- روش قانون‌سپاری

قانون‌سپاری به عنوان پدیده‌ای نوظهور است که مسبوق به امواج خروشان فکری اندیشمندان نیست. اساساً جمع‌سپاری بیشتر دارای جنبه‌ی نوآوری و ابتکار است و تنها پس از ترویج و توسعه‌های فراوان، تئوریزه شده است. هم‌اکنون نیز بیشترین مقالات و یادداشت‌هایی که در خصوص این پدیده موجود است، حالت گزارشی دارد. به عبارتی، غالب پژوهش‌ها و مطالعات در این حوزه، با هدف توسعه و کاربردی‌سازی بیشتر صورت پذیرفته است و از تعمق در مبانی آن چشم‌پوشی شده است. پس وقتی سخن

از قانون سپاری به میان می‌آید، در واقع، مواجهه‌ای با یک «پدیده» ایجاد شده است. تلاش این مقاله آن است تا با ارائه تحلیلی مختصر از مفهوم قانون سپاری، آن را قابل مقایسه با تئوری نمایندگی کند، و سپس آن را در بستر دموکراسی به بوته نقد آورد. قانون سپاری پدیده‌ای نوین و مبتنی بر پدیده‌ها و روش‌هایی است که از پیش، امکان راه‌اندازی چنین پلت‌فرم‌هایی را فراهم آورده‌اند. برای درک بهتر قانون سپاری، باید جمع سپاری، شفافیت و نوآوری باز را به عنوان مبانی عملیاتی قانون سپاری مورد بررسی قرار داد.

۱- نوآوری باز^۱

در میانه قرن نوزدهم، شرکت‌های خصوصی برای افزودن بر توان تجاری و رقابتی خود، به سرمایه‌گذاری در بخش تحقیقات و توسعه خود اقدام کردند. بودجه‌های کلانی که شرکت‌ها به تحقیقات و توسعه اختصاص دادند، نشان‌گر این رویکرد در آن‌ها بود. یک شرکت خصوصی برای حفظ بقا و برتری خود، اقدامات امنیتی را به گونه‌ای لحاظ می‌کرد که هیچگونه اطلاعاتی از شرکت نشت نکند و به دست رقبا نیفتد. به این مدل نوآوری، «نوآوری بسته» گفته می‌شد. پس از چندی، چنین نتیجه‌ای گرفته شد که می‌توان از طرح‌ها و ابتکارات نوآوران و محققان استفاده کرد، بدون آن که روند قبلی در پیش گرفته شود و بودجه‌های کلانی خرج آن‌ها گردد. روش جدید بدین گونه بود که درصد استفاده از تمامی انسان‌های باهوش و مستعد بود. ایده‌های انتخاب‌شده، از افرادی بیرون سازمان خریداری می‌شد. بهترین نمونه از این روش که به «نوآوری باز» شناخته می‌شود، برگزاری برخی مسابقات است. در این مسابقات، مسأله‌ای که شرکت یا مجموعه‌ی تحقیقاتی با آن روبه‌رو است، به تمام مخاطبان ارائه می‌شود. سپس بهترین ایده‌ها انتخاب می‌شوند. نتیجه‌ها، برخلاف انتظار، غیرقابل باور است. به طوری که هزینه‌ها بسیار کاهش یافته و کیفیت ایده‌ها به حداکثر رسیده و بدین ترتیب، بهره‌وری

به حداکثر می‌رسد. با کمک این روش، می‌توان از توان تمام متخصصان استفاده کرد، و محدود به جمعی محدود نشد (حورعلی، منتظری و الیاسی، ۱۳۹۴، صص. ۶۰-۶۳).
(Allio, 2005, p. 21).

۲- شفافیت^۱

شفافیت از جمله ملاک‌هایی است که به کمک آن می‌توان حاکمیت را ارزیابی کرد. آثار شفافیت را می‌توان در بهبود تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها، حذف ریشه‌های فساد، افزایش پاسخگویی مسئولان و افزایش آگاهی و فهم شهروندان و بسیاری موارد دیگر شاهد بود. شفافیت به عنوان زیرساخت اصلی ایجاد دولت و حتی پیش از آن، شکل‌گیری جامعه دانست. چرا که جامعه، حاوی تصمیماتی آگاهانه از سوی اعضای آن است و نیز پاسخگویی قشر خاصی از آن اعضا را نیز طلب می‌کند. مبارزه شفافیت با فساد، نیز باعث رشد و توسعه جامعه و بقای آن می‌گردد. شفافیت بستری برای حضور و مشارکت فعال شهروندان در انجام امور اجتماعی، شهری، سیاسی، اقتصادی و غیره است. چنانچه شفافیت وجود نداشته باشد، نه می‌توان ساختارهای مشارکتی مبتنی بر آن را ایجاد کرد و نه می‌توان انتظار همراهی از جانب مردم را داشت. به طور کلی، شفافیت روشی است که می‌توان به کمک آن در عارضه‌یابی و شناخت مسائل، در تدوین خط‌مشی و قوانین، در حل مسائل و در ارزیابی قوانین و سیاست‌ها نتایج بسیار مطلوبی کسب کرد (عبدالحسین‌زاده و ثنائی، ۱۳۹۴) (نرگسیان، جمالی، هراتی و آذری، ۱۳۹۷، صص. ۲۹۲-۲۹۳).

شفافیت در برابر پنهان‌کاری به کار می‌رود. هرچیز را که از دید عامه مردم پنهان نباشد، در اینجا می‌توان شفاف دانست. شفافیت به این معنا است که تمام تصمیماتی که توسط نهادها و مؤسسات عمومی و دولتی گرفته می‌شود بر اساس پروسه قوانین و مقررات صورت گرفته باشد و تمام اطلاعات آن به راحتی در دسترس افرادی قرار بگیرد

1 - Transparency

که از این تصمیمات متأثر می‌شوند. شفافیت یکی از اصول حکمرانی خوب است و لازمه آن آزادی اطلاعات و پاسخگویی است.

۳- جمع‌سپاری

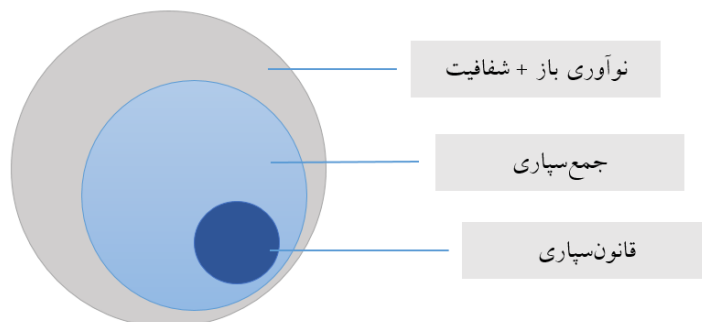
جمع‌سپاری را به نوعی می‌توان حاصل پیوند شفافیت و نوآوری باز تلقی کرد؛ چرا که این دو، زیرساخت‌های اساسی جمع‌سپاری را فراهم می‌آورند. برای تجربه یک جمع-سپاری خوب، باید بتوان یک کار را به تعداد بسیار زیادی کار و فعالیت جزئی‌تر خرد کرد، تا مشارکت‌جویان در تعداد بالا، بتوانند حضور خود را عملی سازند. جمع‌سپاری گونه‌ای از توسعه اجتماعی است که حاوی گستردگی بالایی است، به حدی که شهروندان می‌توانند، به راحتی و در نزدیکی هم به نقش‌آفرینی بپردازند

(Aitamurto, 'Crowdsourcing for Democracy: A New Era in Policy-Making', 2012, pp. 30-33).

جمع‌سپاری مدلی برای مشارکت مردمی است که در بستر اینترنت و فضای مجازی مستقر می‌شود. مشارکتی که منتهی به حل مسائل شخصی، سازمانی و مسائل عمومی خواهد شد. وصف دیگر این مشارکت این است که جمعیتی انبوه را در قالبی پویا برای حل مسائل خود در اختیار دارد. در بطن انبوهی جمعیت آن چه که مدنظر است، خرد جمعی است. اتکا به خرد جمعی، هسته اصلی مدل‌های مبتنی بر جمع‌سپاری است. پیشینه بهره‌برداری از جمع‌سپاری در فعالیت‌های مالی است که سود فراوانی را برای صاحبان فعالیت‌ها به ارمغان می‌آورد

(Pedersen, Kocsis, Tripathi, & Tarrell, 2013, p. 9) .

قانون‌سپاری را می‌توان در انتهای سیری از نوآوری باز و شفافیت تا جمع‌سپاری دانست.



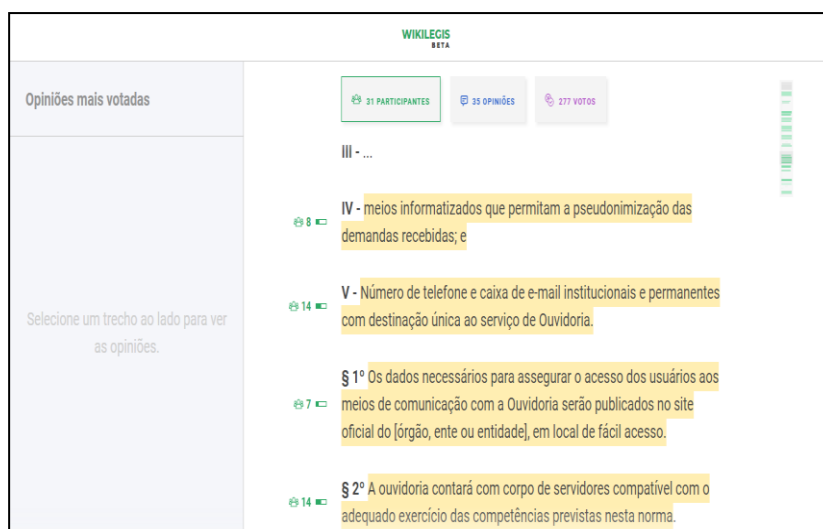
تصویر ۱- قانون‌سپاری، نمونه‌ای از محصولات جمع‌سپاری و زیرساخت‌های آن

۴- قانون سپاری

جمع‌سپاری در حوزه‌های مختلف، از نظارت و بودجه‌ریزی تا تأمین مالی و غیره ورود داشته است. یکی از این حوزه‌ها، قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری است که در این حوزه، به «قانون‌سپاری» شناخته می‌شود. قانون‌سپاری جایگزینی است برای روش‌های پیش از خود، در قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری. در روش‌های پیشین، مرجع سیاست‌گذار یا قانون‌گذار برای تهیه پیش‌نویس موردنظر خود به عده‌ای از استادان و پژوهشگران سفارشی ارائه می‌کرد. این روش، علاوه بر آن که به عده‌ای خاص این امکان را می‌دهد تا همیشه قوانین و سیاست‌ها را با رویکردی خاص تدوین، و احتمالاً دست رقا را از تدوین پیش‌نویس کوتاه کنند، به‌علاوه به‌طور ناخواسته‌ای قدرتی بی‌منشأ را برای آنان به همراه داشت و درصد تشکیل گروه‌های ذی‌نفوذی که جایگاه قانونی ندارند، بالا رفته و در آستانه‌ی ایجاد فساد قرار می‌گرفت (رنجبر، ۱۳۸۴، صص. ۴۲۵-۴۲۸). از دیگر معایب این‌گونه تهیه پیش‌نویس، هزینه‌های بالای این روش است. برای هر طرح و پیش‌نویسی، بایستی مبالغی هنگفت اختصاص یابد. در عرصه اجرا، مشکلات دوچندان خواهد بود. استادان و پژوهشگرانی که مورد انتخاب مراجع قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری واقع شده‌اند، اغلب آن‌قدر به‌نام مشهور هستند که فرصتی برای نگارش دقیق متن پیش‌نویس ندارند و غالباً این کار را به دانشجویان دکتری خود واگذار می‌کنند. همچنین مدت تهیه پیش‌نویس نیز بسیار طولانی است و از دیگر معایب است (عبدالاحد، و غیره، ۱۳۹۷، صص. ۴۲-۴۵).

از سویی، در روش مبتنی بر جمع‌سپاری، یعنی قانون‌سپاری، نه‌تنها معایب فوق مرتفع می‌گردد، بلکه دستاوردهای فراوانی با به‌کار بسته‌شدن این روش به‌دست خواهد آمد. هیچگاه گروهی خاص بر مسند قانون‌گذاری یا سیاست‌گذاری مسلط نخواهند بود و نمی‌توان رویکردی خاص را به پیش‌نویس تدوین‌شده نسبت داد؛ بلکه، عموم ذی‌نفعان و دست‌اندرکاران و عامه مشارکت‌جویان می‌توانند دیدگاه‌های خودشان را بیان دارند. در قانون‌سپاری، قراردادی برای تدوین پیش‌نویس بسته نمی‌شود، بلکه جایزه‌ای

برای بهترین پیش‌نویس(ها) در نظر گرفته می‌شود و این جایزه، هزینه به‌مراتب کمتری نسبت به آنچه را که یک قرارداد به دولت تحمیل می‌کند، در بردارد. مشارکت‌جویان هیچ‌گاه نسبت به نگارش جملات و حتی واژگان پیش‌نویس، سهل‌انگاری نخواهند کرد، چرا که مستقیماً منافع و منابع آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهند. علاوه بر آن در این روش، می‌توان از تمام مزایای موجود در خرد جمعی بهره برد، نظیر: تجارب، اندوخته‌های پراکنده دانش، منافع اقشار مختلف و غیره (Aitamurto، Collective Intelligence in Law Reforms: When the Logic of the Crowds and the Logic of Policymaking Collide، 2016، p.2784). قانون‌سپاری به دلیل مشارکت بخشیدن به شهروندان، آنان را در مسائل و امور حیاتی و مهم جامعه دخیل می‌کند، و این دخالت^۱، منجر به رشد آگاهی‌ها و شعور سیاسی-حاکمیتی آن شهروندان خواهد شد.



شکل ۱- تصویری از مشارکت شهروندان برزیلی در پلت‌فرم Wikilegis و ویژگی‌های آن

موردکاوی؛ نکته‌ی اساسی دیگر در مورد قانون‌سپاری، قرارگرفتن آن بر بستر فضای مجازی، در قالب پلت‌فرم^۱ است. به‌عنوان مثال Wikilegis^۲ به‌عنوان خدمتی از سوی پارلمان برزیل، در مجموعه خدمات اینترنتی e-Democracia ارائه می‌شود. شهروندان برزیلی می‌توانند با ورود به این پلت‌فرم (سایت)، نظرات خود را در مورد تمام طرح‌هایی که به تفکیک در صفحه‌ی نخست این سایت قرار دارد، ابراز دارند. هر شهروند می‌تواند پیش‌نویس قوانین و طرح‌های موجود را ببیند، نظرات و پیشنهادهای خود را به روی هر پیش‌نویس ثبت کند و در فرآیند قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری کشور خود شرکت کند. با بازکردن صفحه مربوط به پیش‌نویس هر یک از طرح‌ها و لوایح و سیاست‌ها، می‌توان در متن آن تغییر به‌وجود آورد و نظر خود را به صورت کلی بیان کرد. یکی از قابلیت‌های این پلت‌فرم، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری نظرات شهروندان است. بدین ترتیب، یک نماینده می‌تواند تمام نظرات را به سرعت بررسی کند و در جلسات مربوطه از آن استفاده کند (مرتب، ۱۳۹۶).

در نتیجه می‌توان قابلیت‌های یک پلت‌فرم قانون‌سپاری را در این خلاصه کرد که تمام ابتکارات مردمی در سطح پیش‌نویس، جمع‌آوری خواهد شد و احتمال تبدیل این نوآوری‌ها به قانون، وجود خواهد داشت. این ابتکارات می‌تواند از ایده شروع یک پیش‌نویس تا مهر ختام یک پیش‌نویس را در برگیرد؛ مراحل از قبیل: پیشنهاد ایده کلی قانون، تصحیحات ظاهری در لغات، اصطلاحات، عبارات، جملات و بندها و ماده‌ها و تبصره‌ها و یا توضیحات، افزودن یا کاستن از متن پیشنهادی، بیان نظر کلی، گفت‌وگو با سایر مشارکت‌جویان و اعلام نظر مثبت یا منفی در خصوص کلیت طرح و غیره. در این صورت، امکان استفاده یک‌جا از دانش‌ها و تجربیات پراکنده در میان مردم به‌وجود

1 - Platform

2 - Wiki Legislation - مخفف

خواهد آمد. کارایی یک پلت‌فرم به میزان زیادی وابسته به سطح برنامه‌نویسی آن است؛ سطوحی از قبیل وب^{۱۲} و وب^۳.

مثالی دیگر از پلت‌فرم‌های قانون‌سپاری LegislationLab پایگاهی اینترنتی است. علت تأسیس این پلت‌فرم این است که شهروندان بتوانند در فرایندهای قانون‌گذاری سهیم باشند. Legislation Lab به عنوان بستری برای تشویق مردم به آگاهی یافتن از قوانین و نقش‌آفرینی در قانون‌گذاری مطرح شده است. این پلت‌فرم در پی ارائه راه‌های دسترسی آسان به قانون‌گذاری است. به علاوه، برای جمع‌آوری بازخوردهای مردمی نیز مهیاست. در این پلت‌فرم، اطلاعات کاربران پردازش شده و میزان مشارکت در اقشار مختلف اعم از زن و مرد و یا به تفکیک بازه‌های سنی و مناطق جغرافیایی و یا صاحبان مشاغل گوناگون قابل‌رؤیت است. شهروندان می‌توانند هرگونه تغییری در متن‌های پیشنهادی اعمال کنند، از جمله: تغییر در واژگان، اصطلاحات، عبارات، جملات و همچنین مواد پیش‌نویس قانون، بحث‌هایی چندجانبه پیرامون مواد قانونی و نظردهی، حاشیه‌نویسی بر پیش‌نویس و بیان دیدگاه‌ها، تعیین قسمت‌های ویژه، پیشنهاد جایگزین‌های مدنظر و غیره (حاکمی، ۱۳۹۶).



شکل ۲- نمایی از پلت‌فرم Legislation Lab

- ۱- در وب^۲، کاربران می‌توانند شخصا محتوایی را به‌وجود آورند، و به محتوای خود نظم و سامان بخشند، اطلاعات و دانش خود را با دیگران سهیم شوند یا تبادر به انتقاد و پیشنهاد ورزند.
- ۲- در وب^۳، یک ماشین می‌تواند همانند یک انسان محتوا را خوانده، تحلیل و طبقه‌بندی نماید، در آن به کاوش و جستجو پردازد و نتایجی با دقت بیشتر را ارائه دهد.

نتیجه آن‌که، قانون‌سپاری را می‌توان تجلی مشارکت^۱ و همکاری مردم در حکومت-داری دانست؛ مشارکتی که نقش واسطه‌ها را به حداقل رسانده و شهروندان یک دولت را قادر به آن می‌سازد تا نظرات و اراده‌ی خود را مستقیماً اعمال کنند، بدون آن‌که شائبه‌ی اعمال نظرات شخصی نمایندگان وجود داشته باشد. بدین ترتیب، ادعا می‌شود تبلور دموکراسی مستقیم در عصر فضای مجازی «قانون‌سپاری» است. لذا تعاملات اجتماعی در زمینه‌ی سیاسی به گونه‌ای سامان‌یافته‌تر شکل می‌گیرد و دولت‌ها، مستقیماً پاسخگوی شهروندان خود خواهند بود و این‌ها، آرمان دموکراسی‌خواهان را به تحقق نزدیک‌تر می‌کند. پس مطابق این مدعا، این قانون‌سپاری است که تطابق بیشتری با نظریه اصیل و متقدم دموکراسی، دموکراسی مستقیم، داشته و با هم‌افزایی مستقیمی بقای خود و دموکراسی مستقیم را تداوم می‌بخشد.

۴- پیشنهادی برای الگوی بومی قانون‌سپاری

در جوامع اسلامی، مردم به دنبال پیشبرد اهداف دینی‌اند که متأثر از اسلام است. لذا، باید وجود تفاوت‌هایی میان الگوی بومی‌شده پلت‌فرم قانون‌سپاری و سایر الگوهای موجود را پذیرفت. لذا برای به کار بستن محصول چنین تفکری، باید حداقل تغییراتی در آن ایجاد کرد که سازگاری بیشتری داشته باشد. از آنجا که در نظام جمهوری اسلامی (و به طور کل، جوامع مسلمان)، فرض بر آن است که مردم مسلمان به دنبال حرکت در مسیر تحقق اسلام هستند، لذا می‌توان در مدل بومی پلت‌فرم‌های قانون‌سپاری، به ایده‌ها و نکته‌ها و غیره که دارای سنخیت بیشتر با معارف اسلامی است، اهمیت بیشتری داد. به طوری که در صورت همخوانی ایده با معارف اسلامی (شامل آیات، روایات معصومین (علیهم‌السلام)، اندیشه صاحب‌نظران اسلامی، رهنمودها و مطالبات رهبران انقلاب اسلامی و مواردی از این قبیل) از امتیاز بیشتری برای دیده‌شدن در پلت‌فرم و نیز، انتخاب شدن بهره‌مند می‌شود. اولویت‌بخشی به مشارکت‌های کاربران، امری متداول در این پلت‌فرم‌ها است و از آن به عنوان

^۱ - Engagement

بازی‌وارسازی^۱ یاد می‌شود. به کمک بازی‌وارسازی می‌توان مشارکت و دسترسی کاربران را سامان بخشید و کنترل کرد. همچنین با این روش، می‌توان جذابیت‌هایی ایجاد کرد تا کاربر مشارکت‌جو، در مسیری جذاب‌تر به ایفای نقش خود بپردازد. آخرین ویژگی الگوهای بازی‌وارسازی نیز توان عملیاتی کردن ارزش‌ها است. در اینجا، ارتباط هرچه وثیق‌تر با منابع اسلامی را می‌توان با استفاده از این الگوها عملیاتی کرد. پر واضح است که در مرحله‌ی تصمیم، عالمانه بودن مشارکت، حائز اهمیت است. لذا، در الگوی بومی قانون‌سپاری، عالمانه بودن و معقولیت مشارکت از اولویت برخوردار است؛ یعنی دیدگاه‌ها و نظراتی که دارای پشتوانه‌های عقلانی و دینی باشند، دارای اولویت خواهند بود. با بهره‌گیری از روش‌های بازی‌وارسازی می‌توان اولویت مشارکت‌های برخوردار از پشتوانه‌های علمی و متنعم از عقلانیت و انگیزه‌های دینی را محقق کرد. با بهره‌گیری از بازی‌وارسازی می‌توان قواعدی را در امکانات موجود در پلت‌فرم‌ها ایجاد کرد. برای مثال، نظراتی که از پشتوانه‌های علمی و دینی بیشتری برخوردار باشند، بیشتر دیده خواهند شد و در نتیجه نهایی مشارکت، تأثیری تعیین‌کننده‌تر خواهند داشت.

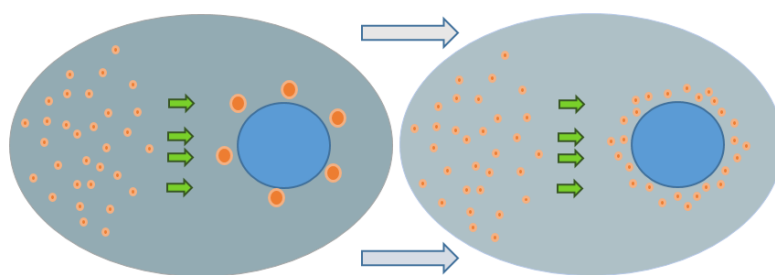
در واقع می‌توان با برخی گرده‌بردارها از آموزه‌های اسلامی، به بازسازی تئوریک جنبه‌هایی از جمع‌سپاری و به تبع آن، قانون‌سپاری همت گماشت. از جمله تعالیم اسلام که ارتباطی با موضوع پژوهش حاضر دارد، می‌توان به شورا و مشورت اشاره کرد. مسأله‌ی شورا، یکی از دقیق‌ترین و در عین حال، بحث‌انگیزترین موضوعاتی است که پیوند تنگاتنگی با بعضی از مهمترین مسائل از قبیل: امامت، حکومت، رهبری و قانون‌گذاری اکثریت مسلمانان داشته و دارد (خان محمدی و جعفری، ۱۳۹۷، ص. ۳۰). در این میان، دو آیه قرآن کریم نظر بسیار از اندیشمندان این حوزه را جلب کرده است که عبارتند از «و شاورهم فی الامر» (آل عمران: ۱۵۹) و نیز «و امرهم شوری بینهم» (شوری: ۳۸). شورای مسلمین در خصوص مسائلی است که حکم آن را نمی‌توان در

^۱ - Gamification

قرآن و سیره معصومین سلام‌الله علیهم اجمعین یافت. همچنین امکان دارد که شور و مشورت در خصوص نحوه اقامه حکم الهی یا عملیاتی ساختن دستورات دینی باشد. یکی از مزایای شورا در جامعه اسلامی عبارت است از ایجاد آمادگی در میان اعضای جامعه در جهت تحقق اوامر و فرمان‌های دینی. این بدان دلیل است که با انجام صحبت و گفتگو پیرامون یک مسأله، توجهات به آن جلب می‌شود و به تدریج زمینه‌ی اجرایی‌سازی آن فراهم می‌آید. همچنین، مسئولیت اجتماعی نیز یکی از مسائلی است که در تبیین و توصیف جامعه اسلامی، مورد اهتمام و توجه بوده است. چرا که منابع اصیل اسلامی همواره بدین اصل، رهنمون بوده‌اند. از آن جا که در قرآن کریم امت‌ها و گروه‌های انسانی دارای اثر برشمرده شده‌اند، می‌توان دریافت که در ادبیات دینی، اصالت داشتن جامعه امری پذیرفته شده است. این بدان معناست که امت (یا جامعه) دارای وجودی عینی است که آن را دارای سرنوشت، شعور، فهم، طاعت و عصیان و امثالهم می‌کند. در چنین جامعه‌ای، انسان در برابر خود، خانواده و اجتماع مسئول است (حاجی‌زاده و آورجه، ۱۳۹۳، صص. ۱۳۱-۱۴۵). پدیده‌هایی همچون جمع‌سپاری و قانون‌سپاری را می‌توان دارای برخی ویژگی‌ها دانست که آن را به دو مؤلفه فوق نزدیک می‌کند. بدین ترتیب، نقش‌آفرینی مشارکت‌جویان را می‌توان بر اساس انجام شور و مشورت و نیز ایفای مسئولیت اجتماعی دانست.

نتیجه‌گیری

«قانون‌سپاری» پدیده‌ای فراگیر و برپایه دموکراسی مستقیم است که شاهد اقبال اندیشمندان و عامه مردم بوده است. پارلمان‌ها می‌توانند از کمک پلت‌فرم‌های قانون‌سپاری بهره‌مند شوند. البته می‌توان احتمال داد که قانون‌سپاری، در مواردی جایگزین صلاحیت «قانون‌گذاری» هم بشود و از صرف تهیه و تدوین پیش‌نویس فراتر رود. این به آن دلیل است که قانون‌سپاری از اندیشه‌های مربوط به دموکراسی مستقیم برخاسته است. البته جوامع مختلف حاوی دیدگاه‌های مختلفی درخصوص پارلمان‌اند. لذا نمی‌توان پارلمان را در آینده نادیده گرفت. بدین ترتیب اگر با قانون‌سپاری تصویب قانون نیز انجام شود و نتوان کارکرد خاصی برای پارلمان یافت، باز هم به‌سختی می‌توان پارلمان را حذف‌شده فرض کرد. اما کارکردهای پارلمان نیز پرشمار است.



تصویر ۲- گذار دموکراسی از نمایندگی به قانون‌سپاری

اکثر فرایند قانون‌گذاری در پارلمان انجام می‌شود؛ مخصوصاً «تصویب». تصویب یک پیش‌نویس، یعنی الزام‌آور شدن و شروع اجرایی ساختن آن دستور. این، همان معنای قانون‌شدن است. در معنای کلی‌تر، قانون‌شدن، یعنی مشروعیت‌یافتن. مشروعیت-بخشیدن نیز از کارکردهای نظام حقوقی است. با قانون‌شدن یک پیش‌نویس، چیزی که تا پیش از این تنها یک «نوشته» بود، تبدیل به قسمتی از یک نظام حقوق می‌شود.

قانون‌سپاری می‌تواند علاوه بر تهیه‌ی پیش‌نویس، رأی‌گیری و حتی تصویب را نیز متقبل گردد؛ چرا که مطابق نظریه دموکراسی مستقیم است. اما هیچ‌گاه نمی‌توان نظر عامه‌ی مردم را در خصوص نظام حقوقی مجری دانست؛ چرا که تنها حقوقدانان از پس این کار برمی‌آیند. عامه‌ی مردم، دانش لازم برای دست‌بردن و یا افزودن و کم‌کردن در نظام حقوقی را ندارند. پس باید در مشارکت مردم، تفکیکی میان مرزهای دسترسی آنان به تصویب قوانین دلخواه و حفظ نظام حقوقی ایجاد کرد.

کارکرد دیگر پارلمان، شأن نظارتی آن است. بدین ترتیب، پارلمان صلاحیت‌های پرشماری برای نظارت در تمام قسمت‌های حکومت دارد. کنترل پارلمانی عهده‌دار بررسی میزان اجرایی‌شدن قواعد و نرم‌هایی است که پیش‌از این در مجلس تصویب شده‌اند و بدین ترتیب، یکی دیگر از جلوه‌های حاکمیت مردمی تجلی خواهد یافت.

نظارت پارلمانی در نظام‌های پارلمانی باسہولت بیشتری نسبت به نظام‌های ریاستی انجام می‌پذیرد. از جمله ابزارهای پارلمان در شأن نظارتی می‌توان به استیضاح و رأی اعتماد یا عدم اعتماد، تصویب مصوبات سانسور دولت و همچنین طرح سؤال از وزیران و رئیس‌جمهور یا نخست‌وزیر اشاره کرد. با این‌حال، قانون‌سپاری نمی‌تواند جایگزین مناسبی برای انجام فعالیت‌های مرتبط با نظارت پارلمانی باشد و نهایتاً نمی‌توان شأن نظارت پارلمان را به آن واگذار کرد. در نتیجه، دو کارکرد اساسی پارلمان را می‌توان قانون‌گذاری و نظارت دانست که قانون‌سپاری به صورت مستقیم به بهبود فرایند قانون‌گذاری منجر می‌شود و به نحوی غیرمستقیم، بر فرایند نظارت تأثیر می‌گذارد.

آن چه در استفاده از قانون‌سپاری باید محل توجه قرار گیرد، اعمال پاره‌ای تغییرات است که آن را مناسب استفاده در جامعه و نظام اسلامی می‌سازد. با بهره‌گیری از آموزه‌های اسلامی می‌توان این تغییرات را اعمال کرد و الگوهای قانون‌سپاری را مورد بازسازی و مناسب‌سازی قرار داد. چنین امری، به بومی‌تر شدن دستاوردهای جوامع غربی کمک می‌کند. شورا و مشورت، نخستین آموزه‌ای است که چنین امری را تسهیل می‌سازد. همچنین، اهتمام به مسئولیت اجتماعی اعضای جامعه اسلامی در قبال یکدیگر نیز می‌تواند به نفع این تغییرات باشد. استفاده از ظرفیت‌های بازی‌وارسازی نیز می‌تواند کاربران و مشارکت‌جویان در پلت‌فرم‌ها را به سمت اهداف از پیش تعیین‌شده سوق دهد؛ این موارد را می‌توان منطبق بر ارزش‌ها طراحی کرد. برای مثال می‌توان شاخصی نظیر میزان بهره‌گیری از معارف کتاب و سنت معصومین (علیهم‌السلام) را ملاک قرار داد. در نهایت باید چنین گفت که قانون‌سپاری به نحوی به افزایش مشارکت منتهی می‌شود که می‌توان آن را دارای مقادیر فراوانی از همسویی با اندیشه‌های اسلامی تلقی کرد.

کتابنامه

۱. آهنگران، م. و صادق پور، م. (۱۳۹۳). بررسی و نقد نظریه وکالت در عرصه ماهیت نمایندگی مجلس. پژوهش‌های فقهی، ۷۰۷-۷۳۰.
۲. استوارت میل، ج. (۱۳۸۹). حکومت انتخابی. (علیه‌السلام) رامین، Trans، تهران: نشر نی.
۳. بیثام، د. (۱۳۹۰). مشارکت شهروندان در روند قانون‌گذاری. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس.
۴. جلائی، م. (۱۳۸۰). مقومات دموکراسی. بازتاب اندیشه، ۴۷-۵۴.
۵. جلائی، م. (۱۳۸۰). مقومات دموکراسی. بازتاب اندیشه، ۴۷-۵۴.
۶. جواهری طهرانی، م. (۱۳۹۴). آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی؛ بررسی مفهوم «نمایندگی سیاسی». تهران: دفتر مطالعات نظام‌سازی اسلامی پژوهشکده شورای نگهبان.
۷. حافظ‌نیا، م.، قالیباف، م. و ملاحسینی اردکانی، ر. (۱۳۹۱). قابلیت‌های فناوری اطلاعات در اجرای دموکراسی مستقیم. پژوهشنامه علوم سیاسی، ۱۲۳-۱۵۴.
۸. حاکمی، م. (۱۳۹۶، ۱۳۰۵). معرفی سایت Legislation Lab؛ کارگاهی برای قانون‌نویسی. Retrieved from <http://blog.tp.ir/post/4>: ۵۲۹.
۹. حورعلی، م.، منتظری، ع. و الیاسی، م. (۱۳۹۴). شناسایی و اولویت‌بندی اصول مورد نیاز برای بهبود فضای نوآوری بنگاه‌های دفاعی ایران با رویکرد باز. مدیریت نوآوری، ۵۷-۸۶.
۱۰. دانلی، ج. (۱۳۸۱). دموکراسی، توسعه و حقوق بشر. راهبرد، ۵۱-۷۸.
۱۱. رنجبر، ا. (۱۳۸۴). نقش لابیگری در فرایند قانون‌گذاری و امکان قانونمند کردن آن. مجلس و راهبرد، ۴۲۳-۴۳۶.
۱۲. شیرازی، ع. (۱۳۹۸). بررسی مقایسه‌ای جایگاه مشورت در نظریه‌های مردم‌سالاری دینی و دموکراسی مشورتی. پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۸۹-۱۱۰.
۱۳. عبدالاحد، ع.، درویشوند، ا.، حسینی پور اردکانی، س.، ناظمی، ح.، راجی، س. و بهادری جهرمی، ع. (۱۳۹۷). آسیب‌شناسی نظام قانون‌گذاری جمهوری اسلامی ایران. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

۱۴. عبدالحسین زاده، م. و ثنائی، م. (۱۳۹۴). توانمندسازی خط‌مشی‌های عمومی، با رویکرد شفافیت و مشارکت. نخستین کنفرانس ملی مدیریت دولتی ایران. تهران: دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
۱۵. قاضی شریعت پناهی، س. (۱۳۹۲). بایسته‌های حقوق اساسی. تهران: میزان.
۱۶. قلی پور، آ. و پیران نژاد، ع. (۱۳۸۷). ارتقای اعتماد عمومی و دموکراسی الکترونیکی: تبیین نقش دولت الکترونیک. مدرس علوم انسانی، ۲۱۹-۲۵۶.
۱۷. کیا، ع. و عبدالله، ع. (۱۳۸۸). دموکراسی در فضای وب؛ زمینه‌ها و چالش‌ها. اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ۱۴۶-۱۵۵.
۱۸. لاگین، م. (۱۳۹۳). مبانی حقوق عمومی (چهارم) ed، تهران: نی.
۱۹. مرتب، ی. (۱۳۹۶، ۲۳۰۳) WikiLegis، بستری برای مشارکت مردم در فرآیند قانون گذاری برزیل Retrieved from <http://blog.tp.ir/post/4/75>
۲۰. نرگسیان، ع.، جمالی، ق.، هراتی، م. و آذری، ح. (۱۳۹۷). بررسی ارتباط فساد و اعتماد در رابطه بین شفافیت و رضایت شهروندان. نشریه مدیریت دولتی، ۲۸۹-۳۱۰.
۲۱. نوری، م. و توسلی رکن‌آبادی، م. (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی اندیشه‌ها هابز، لاک و راولز در پرتو موقعیت فرضی قرارداد اجتماعی. پژوهش سیاست نظری، ۱۱۱-۱۵۱.
۲۲. هوثرتا، ا. (۱۳۹۵). ۱۰۰ سال دگر؛ اقتصاددانان پیشرو آینده را پیش‌بینی می‌کنند In صد سال دگر (آ. پوراابراهیمی، Trans.، ۳۵-۳۲pp) تهران: کارآفرین.
۲۳. وحیدی منش، ح. (۱۳۹۳). دموکراسی و اخلاق لیبرالی. معرفت سیاسی، ۷۹-۱۰۲.
۲۴. ویژه، م. (۱۳۸۷). نمایندگی یا وکالت (اشتراک و افتراق نهاد «نمایندگی» و «وکالت»). خردنامه همشهری، ۷۸.
25. Pedersen, J., Kocsis, D., Tripathi, A., & Tarrell, A. (2013). Conceptual Foundations of Crowdsourcing: A Review of IS Research. 2013 46th Hawaii International Conference on System Sciences, (pp. 579-588). Hawaii.
26. Aitamurto, T. (2012). Crowdsourcing for Democracy: A New Era in Policy-Making. Publication of the Committee for the Future, Parliament of Finland.
27. Aitamurto, T. (2016). Collective Intelligence in Law Reforms: When the Logic of the Crowds and the Logic of Policymaking Collide. System Sciences, (pp. 2780-2789). hawaii.

28. Aitamurto ،T. ،& Landemore ،H. (2015). Five design principles for crowdsourced policymaking: Assessing the case of crowdsourced off-road traffic law in Finland. *Journal of Social Media for Organizations* ،1-19.
29. Allio ،R. (2005). Interview with Henry Chesbrough: innovating innovation. *Strategy and Leadership* ،19-24.
30. Clark ،S. ،Morris ،M. ،& Lomax ،N. (2018). Estimating the outcome of UKs referendum on EU membership using e-petition data and machine learning algorithms. *Journal of Information Technology & Politics* ،1-14.
31. Dimba ،M. (2018 ،March 22). CrowdLaw as a tool for open governance. Retrieved from GovLab Blog: <http://thegovlab.org/crowdlaw-as-a-tool-for-open-governance/>
32. Farina ،C. ،Epstein ،D. ،Heidt ،J. ،& Newhart ،M. (2012). Knowledge in the People: Rethinking "Value" in Public Rulemaking Participation. *Wake Forest* ،1185.
33. Find out more about e-petitions. (n.d.). Retrieved from UK Parliament: <https://www.parliament.uk/get-involved/sign-a-petition/e-petitions/>
34. Friess ،D. (2015). Online Deliberation Complete. *International Communication Association Conference* ،(pp. 1-38). Puerto Rico.
35. Gerber ،E. ،& Morton ،R. (1998). Primary election systems and representation. *Journal of Law ،Economics & Organization* ،304-324.
36. HanYou ،K. ،KyuLee ،J. ،Kang ،H. ،& Go ،E. (2015). Participatory or deliberative democracy? Exploring the mediation effects of perceived online deliberation and online interactive activities on social outcomes. *Telematics and Informatics* ،205-214.
37. Miller ،D. (2003). *Political Philosophy: A Very Short Introduction*. (ک. . Trans.) New York: Oxford University Press.
38. Newhart ،M. ،& Brooks ،J. (2017). Barriers to Participatory eRulemaking Platform Adoption: Lessons Learned from RegulationRoom. *Cornell e-Rulemaking Initiative Publications* ،1-28.
39. Noveck ،B. (2018). CrowdLaw: Collective Intelligence and Lawmaking. *Analyse & Kritik* ،359-380.
40. Pfoser ،D. ،Crooks ،A. ،& Jenkins ،A. (2015). Crowdsourcing urban form and function. *International Journal of Geographical Information Science* ،720-741.

